

تحولات فرهنگی چهار دههٔ اخیر

گزارش کارگاه برنامه ریزی فرهنگی

گزارشگر سارا

مقدمه:

در گزارش شماره یک برایتان نوشتم که جلساتی از یکسال قبل در دفتر آینده پژوهی تحولات فرهنگی و اجتماعی با عنوان تجربه برنامه ریزی فرهنگی برگزار می شد که طرح مباحث این جلسات به قلم منشی جلسه که خودم هستم خالی از لطف نیست. در این گزارش سعی شده بود اسامی و سمت ها و مدارک دانشگاهی افراد طرح نشود تا توجه مخاطب بیش از پیش به محتوای مطالب جلب شود و نه گویندگان آن. جلسه اول و دوم با موضوع برنامه فرهنگی برای نسل ایکس برگزار شد. در جلسه سوم محسن اشاره کرد که برای برنامه ریزی فرهنگی لازم است انسان ها را در شبکه ای از روابط اجتماعی که زندگی می کنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم به سایر مردم می پیوندند در نظر بگیریم. سازمان ها برای انجام اموری بوجود آمده اند که دستیابی به آنها توسط یک فرد به تنهایی امکان پذیر نیست و انجام آن از طریق سازمان اثربخش تر است. سازمان های دست ساخته انسان بسیارند، تا آنجا که عصر امروز را عصر سازمان ها و جهان سازمانی نیز نام نهاده اند و گفته اند در عصر سازمان ها انسان از تولد تا پایان زندگی در درون سازمان های متنوع و کوچک و بزرگ زندگی می نماید. جهان امروز، جهان سازمان ها و گروه های اجتماعی است و از طریق این سازمان دهی است که کنارهم ماندن و کنار آمدن با دیگران برای رسیدن به اهداف امکان پذیر می شود. سبک زندگی پوسته ظاهری و زیبای سازمان ها و گروه ها است که بر روی شبکه سازمانی دقیق اجتماعی کشیده می شود. در سبک زندگی سازمان هایی نیز وجود دارند که از طرق ذهن سازی و عینیت بخشیدن به آرمان ها و اهداف افراد و گروه ها آنها را در دسته بندی هویتی شناسایی و با ارائه الگوهای رفتاری به سازماندهی و اداره جوامع یاری می رسانند. در جلسه چهارم نظریه دگرگونی ارزشی مطرح شد و موضوع ارجحیت های ارزشی در جوامع پیشرفته صنعتی و میل به دگرگونی از ارزش های مادی گرایانه معطوف به امنیت جسمی و اقتصادی به سوی تأکید بیشتر به ارزش های فرامادی گرایانه و تحولات فرهنگی چند دهه اخیر مورد بحث قرار گرفت و اینک ادامه مباحث:

گزارش جلسه پنجم:

در ابتدای جلسه محسن با تواضع بسیار از منشی جلسه که من هستم تشکر کرد و گفت خلاصه های دقیقی را از گفتگوها تهیه کرده ام و قول داد که بالاخره زحمات مرا جبران می کند. فهمیدم که به نوعی متوجه دلخوری های من شده و پرچم سفید و صلح را بالا گرفته است اما من نمی توانستم غرور علمی او را تحمل کنم و قصد داشتم هر جور شده او را سر جایش بنشانم و فقط منتظر فرصت مناسب بودم. محسن بحث را با موضوع سرعت تحولات اجتماعی شروع کرد و گفت:

در سال های اخیر سرعت تحولات اجتماعی موجب شده است که زندگی فرهنگی در معرض داوری های اخلاقی متفاوتی قرار گیرد. گسترش آموزش، رشد رسانه ها، رشد شهرنشینی، تمرکز فزاینده جمعیت در شهرهای بزرگ، افزایش سطح آموزش زنان و نمونه های این عوامل می تواند موجب بروز تغییرات ارزشی در صحنه فرهنگی جامعه شود. کمبود پژوهش های فرهنگی و پژوهش های تجربی و کمبود داده های علمی در سال های گذشته موجب شده است که مشاهدات شخصی که بر حسب موقعیت مشاهده کنند و در قلمرو کوچکی از زندگی اجتماعی بوده است به کل جامعه تسری داده شود و تحلیل های متفاوتی از تغییرات فرهنگی گزارش شود .

فرهنگ از یک سو با گذشته تاریخی اجتماعی خویش پیوستگی و همبستگی دارد و نیازمند حفظ ثبات در اجزاء و کلیت است و از سوی دیگر بایستی با ایجاد تحولات و تغییرات محیطی انطباق یابد و این نیازمند موازنه دو گرایش متضاد است که اهل فکر و سیاستگذاران، ترکیب نسبی مناسبی ایجاد کنند تا هم پیوستگی فرهنگ حفظ شود و هم توانایی فرهنگ در انطباق با تغییرات محیطی افزایش یابد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در سالهای اولیه انقلاب این ترکیب نسبی دچار بهم خوردگی شدید شد چرا که تغییرات ارزشی جامعه سالهای ۱۳۵۷ به بعد با گذشته تاریخی که نظام سابق ارائه کرده بود بسیار متضاد از هم بنظر می رسید و این تعارض موجب شد که بسیاری از ارزش ها، باورها و رفتارهای فرهنگی جامعه تا مدتها دو کوهانه و دارای گرایش های متفاوت از هم باشد. یکی از تلاشهای ارزنده سیاستگذاران فرهنگی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گرایش به انجام و گسترش پژوهش ها و مطالعات فرهنگی بود که به تدریج زمینه لازم برای بررسی تغییرات فرهنگی و برنامه ریزی های دقیق تر را فراهم کرد به نحوی که امروزه انجام پژوهش های بنیادی، کاربردی و انجام نظر سنجی های عمومی در پیمایش های ملی

که به روش های دقیق علمی صورت می گیرد توان سیاستگذاران فرهنگی جامعه را نسبت به قبل از انقلاب اسلامی بسیار افزایش داده است .

مینا گفت: مطالعه در عوامل مؤثر بر تغییر فرهنگ عمومی جامعه نشان داد که عواملی همچون جنسیت، سن، سواد و تحصیلات، شهرنشینی از جمله عوامل درونزا و تحولات فن آوری و ارتباطی و بسیاری از عوامل دیگر به عنوان عوامل برونزا بر تحول اجزای فرهنگ نقش مؤثر دارند. نسبت جنسی جامعه یعنی تعداد مردان و زنان جامعه ایرانی در دهه های اخیر تغییرات چندانی نداشته است که بر فرهنگ جامعه مؤثر باشد اما از نظر کیفیت، تحولات چشمگیری در حضور اجتماعی زنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران پدید آمده است که موجب شده فاصله دو گروه به مرور کم شود و از نظر تحصیلات و شغل حضور فعال اجتماعی زنان را در جامعه شاهد باشیم و این خود تغییرات زیادی را در حوزه فرهنگی جامعه همراه دارد .

محمد گفت: همچنین جوانی جمعیت و توزیع سنی جمعیت کشور در دهه گذشته، تغییرات شدیدی بر حوزه فرهنگ داشته و در چند دهه آینده نیز به حجم نسبت جمعیت بزرگسال و بازنشسته افزوده شده و این تحولات جمعیتی مقتضیات خاص فرهنگی را به همراه خواهد داشت.

مسعود ادامه داد: افزایش سواد و تحصیلات یکی از مؤثرترین عوامل در تبیین تفاوت های فرهنگی سال های گذشته است و در سال های آینده نیز به عنوان یکی از مهمترین منابع تحول فرهنگی عمل خواهد کرد. تلاش جمهوری اسلامی ایران برای کاهش بی سوادی موجب شده است که نسبت بی سوادی در جامعه ایران کاملاً دگرگون شود و این امر منشاء تحولات فرهنگی ویژه ای شده که بایستی به سمت ارتقاء فرهنگی جامعه هدایت شود. از سوی دیگر افزایش شهرنشینی و توسعه ارتباطات و تشکیل کلان شهرهای بزرگ و تحرک جمعیتی از روستا به شهر، اوقات فراغت و روابط اجتماعی متغیرهای مهمی هستند که به تحولات فرهنگی منجر می گردند. همچنین تحولات اقتصادی و اجتماعی بر حوزه فرهنگ عمومی کشور تأثیرات گوناگونی داشته است، برای نمونه ازدواج دیررس و تغییر در سن ازدواج دختر و پسر، کوچک شدن ابعاد خانواده و مشارکت اجتماعی زنان، تغییر در رفتار و نگرش های خانوادگی ایجاد می کند و در فرآیند فردگرایی و آزادی طلبی در خانواده (برابری حقوق و مشارکتی) در حال شکل گیری و تبدیل شدن به وجه غالب خانواده در فرهنگ عمومی است و تأثیر مثبت این تحول می تواند به

نهادینه شدن مشارکت در نهادهای اجتماعی دیگر منجر شود اما در سطح خانوادگی نیز ممکن است تلاطم های درونی و ضعف ساختاری پدید آورد.

من گفتم که جایی خواندم که : در طول سالهای گذشته شدت تغییرات در محیط اجتماعی و زیستی که عموماً در کشورهای در حال توسعه مشاهده می شود و سرعت دگرگونی ها موجب تنش های فرهنگی شد که ناهماهنگ و غیر متجانس بنظر می رسد و تا هنگامی که منحنی توزیع عناصر فرهنگی به هنجار و طبیعی است مشکلی پدید نخواهد آورد. برای نمونه با افزایش سواد و تحصیلات تفاوت هایی بین فرهنگ نخبگان تحصیل کرده با فرهنگ جامعه پدیدار شد که می تواند تا حدودی بر قطع نسبی روابط میان این دو گروه بیانجامد اما با افزایش افراد تحصیل کرده و کاهش تعداد بی سواد، ثقل کمی به سمت ثقل کیفی سوق داده شده و به تدریج در آینده شاهد خواهیم بود که گرایش های قشر تحصیل کرده به صورت عملی و نظری ابعاد فرهنگی خواهد یافت.

محمد گفت: بهره مندی از رسانه ها از عوامل مؤثر بر فرهنگ عمومی جامعه است. در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی کوشش برای رسانه های مکتوب همچون روزنامه، مجله و کتاب افزایش چشمگیری داشته است و تلویزیون نیز نقش فعالتری یافته است. داده های تجربی نشان می دهد احساس رضایت از زندگی بین سالهای مختلف تغییرات مهمی داشته است. این تغییرات در دو جهت روی داده است یکی افزایش سطح نسبی رضایت از زندگی و دیگری تغییر در ساخت، رضایت انتظارات اجتماعی و فرهنگی به انتظارات اقتصادی افزوده شده است و ظهور خواسته های جدیدی را شاهد هستیم که به شیوه زندگی کردن اهمیت بیشتری می دهد و بدین ترتیب تحول در نظام ارزشی جامعه مشاهده می شود .

محسن گفت: مهمترین پیمایشی که در سال ۱۳۵۳ توسط مرحوم اسدی در ایران قبل از انقلاب اسلامی انجام شده است حکایت از این دارد که در حوزه بهره مندی از رسانه ها ابتدا رادیو و سپس تلویزیون جامعه را تحت پوشش دارند اما سینما با وجود سابقه طولانی، همه گیر نشده است. همچنین در رسانه های مکتوب استفاده از روزنامه ها بدلیل بی سوادی افراد جامعه، از رسانه های دیداری و شنیداری محدودترند. در حالیکه مقایسه با یافته های پژوهشی مصرف کالاهای فرهنگی در طرحهای ملی انجام شده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نشان می دهد که جامعه ایرانی در طول چهار دهه بزرگترین حرکت و تحول و حیات فرهنگی را تجربه نموده است و جریان تولید فرهنگی و بهره

مندی از رسانه ها و فعالیت فرهنگی افراد و مشارکت آنها در نهادها و سازمانها و استفاده از کالاهای فرهنگی در سطح بسیار قابل قبولی افزایش داشته است.

در بررسی مذکور و در بین جمعیت آماری مراکز استان مشاهده می شود که بیش از ۸۰ درصد مردم کشور امروزه باسواد هستند و زنان در مقایسه سطح تحصیلات تفاوت چندانی با مردان ندارند. متوسط زمان اوقات فراغت در روزهای هفته افزایش یافته است. خانواده های شهری مرکز استان، روزنامه و مجله مطالعه می کنند و با بالا رفتن پایگاه اقتصادی اجتماعی آنها میزان بهره مندی از سرمایه فرهنگی روزنامه و مجله و مطالعه افزایش می یابد. با افزایش تحصیلات، نسبت مطالعه مطبوعات افزایش می یابد. رادیو و تلویزیون پوشش گسترده تری یافته اند و زمان استفاده از رسانه ها در شبانه روز بویژه رسانه های نوین افزایش قابل توجهی یافته است. سینما و تئاتر از دیگر کالاهای فرهنگی هستند که کل جمعیت را به خود جذب کرده اند و میانگین تماشای فیلم رشد قابل زیادی داشته است. در مورد کتاب و کتابخوانی نیز نسبت مطالعه کتب غیر درسی و میانگین زمان مطالعه در جمعیت اهل مطالعه افزایش داشته است. با افزایش منزلت، شغل و افزایش منزلت اجتماعی خانواده، موجودی، خرید و میانگین زمان مطالعه اعضاء افزایش می یابد. فعالیت های مذهبی و فعالیت های هنری، رفتن به پارک و مراکز تفریحی و استفاده از موزه ها و نمایشگاه ها، مسافرت و انجام ورزش و استفاده از وسایل بازی رونق یافته است.

در مجموع در طی چهار دهه شاهد تحول گسترده فرهنگی هستیم که انتظارات و توقعات و تغییرات فرهنگی را نیز در بر خواهد داشت. مصرف کالاهای فرهنگی در جامعه ایرانی افزایش یافته است و تغییرات گسترده آن با قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار ارزشمندتر شده است، اگر چه هنوز راه پر فراز و نشیبی در پاسخگویی به توقعات و انتظارات فرهنگی موجود است و کمبود امکانات اقتصادی در تولید فرهنگی و فعالیت های اوقات فراغت به چشم می خورد اما می توان یک جهت گیری کلی برای آینده جامعه در حال توسعه ایران را پیش بینی نمود که به موازات رشد اقتصادی، عرضه خدمات و کالاهای فرهنگی جامعه ما با تقاضای بیشتری مواجه خواهد بود و ورود بخش خصوصی بر عرصه های فرهنگی افزایش داشته است به نحوی که اینک ۹۰ درصد از کل مؤسسه های فرهنگی به عنوان بخش خصوصی شناخته می شوند .

این پتانسیل قوی که در جوانان ما به لحاظ هویتی و فرهنگی موجود است با ضعف هویت شغلی دچار مشکل شده است و سلامت روانی آنها را به تدریج به خطر می اندازد. به عبارت دیگر در حالی که تلاش های فرهنگی بعد از

پیروزی انقلاب اسلامی نتایج مثبت و گسترده داشته است اما در آینده عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر نتایج حاصل از فعالیت های فرهنگی اثرات منفی خواهد داشت، مگر اینکه ابعاد فرهنگی فعالیت های توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به دقت بررسی و نتایج مثبت فرهنگی از آنها اخذ شود. نابرابری و رشد فقر، افزایش آسیب های اجتماعی، فرسایش سرمایه اجتماعی، احساس بیگانگی با جامعه، نتایج ناخواسته ای بر فرهنگ داشته و دارند. میل به منفعت جویی خودخواهانه و رشد فردگرایی، گرایش به کسب ارزش های مادی، رفتارهایی از قبیل مسئولیت گریزی، تک روی، خشونت و سوءظن، نتیجه ناکارآمدی حوزه اقتصادی است که همبستگی و احساس تعلق و هم دردی و اعتماد و گرایش به همکاری جمعی را تضعیف نموده است.

مسعود گفت: تعامل فرهنگ رسمی و غیررسمی در جامعه، جلب مشارکت های جمعی، فهم مشترک و عمل جمعی عام، اخلاق کار، توجه به نهادهای مدنی، بازنگری برنامه های آموزشی، ترویج یافته های علمی، پژوهش، تولید و خلق اندیشه، تقویت علمی و انتقادی خردمندان؛ تولید ادبیات تحقیق فرهنگی و اجتماعی و ذخیره اطلاعات و تبادل اطلاعات، توجه به نیروی انسانی متعهد و متخصص، ترکیب و تلفیق علم و عمل، استقلال و خود ابتکاری، ارتباط بین دولت و نهاد دینی و نهادهای مردمی، فعالیت مشترک فرهنگی دور از منافع سیاسی، تقسیم نقش ها، افزایش کارآیی مدیران و برنامه ریزان، توجه به تغییرات فرهنگی در سطوح محلی، ملی و بین المللی، انسجام و همبستگی اجتماعی عام، توجه به اهداف، مأموریت ها و امکانات و محدودیت ها، ویژه موضوعاتی بوده اند که بصورت نسبی در سال های گذشته مد نظر قرار گرفته است و در سال های آینده می تواند مورد تأکید بیشتر قرار گیرد.

مینا گفت: نظام ارزشی قبل از انقلاب اسلامی متشکل از عناصری چون برتری جویی، جاه طلبی، استبداد، مصرف گرایی و فردگرایی بود و نظام ارزشی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ارزش های جدیدی متشکل از رفع بی عدالتی و نابرابری و عدم وابستگی به غرب، استقلال و تمایل به مذهب و گذشت و فداکاری جمعی را به ارمغان آورد. اینک ارزش های انقلاب اسلامی در شرایط نامتعادل اقتصادی و اجتماعی آسیب پذیر شده است .

محمد ادامه داد: باید توجه داشت که در جهان فعلی مدرنیته به عنوان ساختار اجتماعی و فرهنگی نمود بیرونی تمدن جدید غرب است و رویکردهای فرهنگی با خود همراه دارد که سنت را به چالش می کشاند. عقلانیت گرایی، فردگرایی، تمایز و تعدد فرهنگی، بلند پروازی، لذت گرایی در مقابله با شیوه سنتی قرار می گیرد و توسعه

ارتباطات، ورود فن آوری های فنی و مادی جدید، خواه ناخواه تغییراتی در باورها و ارزش های فرهنگی جامعه ایجاد می نماید و هرگونه برنامه ریزی فرهنگی بایستی توجه کامل به این رویکردها داشته باشد .

محسن گفت : در سیاست های مقابله با تهاجم فرهنگی تعمیق و شناخت و باور دینی، اصلاح رفتار مدیران، ترویج و گسترش معرفت و ارزش های اسلامی ایرانی، برقراری عدالت اجتماعی، رعایت اصول و ارزش های اسلامی ایران در برنامه ریزی های توسعه سازماندهی و هماهنگی فعالیت های فرهنگی نهادها و دستگاه های فرهنگی، قانونمند شدن فعالیتهای فرهنگی و هنری، رشد کمی و کیفی آثار و خدمات فرهنگی، تحکیم وحدت و همبستگی ملی، معرفی شخصیت های تاریخی اسلام و ایران، ارائه الگوها و سرمشق های مناسب، مشارکت و بسیج مردمی، توجه به زبان فارسی، بهره گیری از امکانات جهان اسلام و توجه به گروه های مرجع و داشتن سعه صدر در پاسخ گویی منطقی به پرسش ها و ابهامات یادآوری شده است و کلیه امکانات دستگاه های فرهنگی و رسانه های داخلی را به سمت و سوی راهبردهای اجرائی هدایت می کند .

من گفتم: هنوز ارزش های سنتی در زندگی از اهمیت بیشتری برخوردارند. عدالت اجتماعی، پرهیز از اعمال افراطی، وفاداری به دوستان، تحمل عقیده دیگران، فروتنی و تواضع، حفظ محیط زیست، صداقت، وظیفه شناسی، یاری دهندگی به دیگران، مؤمن و دین دار بودن، قابل اعتماد بودن، گذشت و پاکیزگی ارزش های سنتی هستند که با ارزش های مدرن برابری می کنند .

مسعود گفت: اگر چه به نظر می رسد به تدریج ارزش های مادی گرایانه واقع گریز و غیر اجتماعی در نسل جوان در معرض رشد است، شناخت نظام ارزشی در ارزیابی و وضعیت فرهنگی، اخلاقی و هنجاری جامعه و اتخاذ سیاست های بهینه برای ایجاد وفاق ارزشی و کاهش نابهنجاری ها و حل مسائل اجتماعی ضروری است. فرآیند توسعه و نوسازی ما را همچون جوامعی دیگر با نوسانات و فراز و نشیب های مختلف روبرو کرده است .

مینا گفت: گسترش شهرنشینی و کلان شهرهایی همچون تهران در گرایش به ارزش های مدرن و کاهش ارزش های سنتی رابطه مستقیم و معنادار یافته است. تحقیقات نشان می دهد در ایران تأثیر خانواده و قومیت بر لایه های درونی شخصیت، از جمله ارزش ها قویتر از عامل تحصیلات است و همچنین پابندی دینی با ارزش های سنتی

رابطه معناداری دارد. گرایش های قومی موجود در ایران خود را در زمره صاحبان این اقلیم بشمار می آورند و نوعی آگاهی جمعی و تعلق عمومی به سرزمین را بوجود آورده است .

محمد گفت: فرایندهای مهاجرت قومی ایران از عوامل اساسی تضعیف قومیت گرایی است و زبان فارسی به عنوان زبانی اصیل مورد پذیرش اقوام قرار دارد. انقلاب اسلامی با تکیه بر باورهای دینی و روی گردانی از ایده ناسیونالیسم موفق شده است وحدت قومی را افزایش دهد و اسلام گرایی پس از انقلاب بر نوعی وحدت تکیه کرده است که با گشودن فضا برای ظهور هویت گرایی قومی همراه بوده است.

در انتها محسن گفت: پیمایش ها نشان میدهد که جامعه ایرانی همواره با سکولاریسم به معنای جدایی دین از سیاست مخالفت می ورزد و بیشتر مردم جامعه به مناسک پایبند می باشند و انجام مناسک فردی علیرغم جوانتر شدن فوق العاده جمعیت، مورد توجه افراد قرار دارد. در میان گروه های سنی، گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال گروهی است که در مقایسه با گروه سنی پایین تر و گروه سنی بالاتر نیازمند توجه بیشتری است. سنین یاد شده سنین احراز شغل و ازدواج است و معمولاً تعارضات با خانواده در این دهه پر تنش، صورت می گیرد و خصلت های اعتراضی در این سنین اتفاق می افتد اگر چه با افزایش سن روال عادی خود را از سر می گیرد، اما لازم است در برنامه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به این گروه سنی توجه بیشتری مبذول گردد .

وقت جلسه پایان یافته بود . محسن گفت بنظرم امروز سارا خانم مطالب را دقیق تر یادداشت برداری کردند چون بصورت مداوم مشغول نوشتن و یادداشت برداری بودند و کمتر حرف زدند.

رنگم مثل گچ سفید شد. این مرد خیلی پر رو تشریف دارد آبروی آدم را در جمع می برد. همانموقع حالش را گرفتم و لبخند تلخی زدم و به آرامی بخش از صحبت های او در جلسه را از متن نت برداری شده حذف کردم. مردها باید بفهمند که خانم ها اگر لازم باشد چنان ضربه ای به آنها می زنند که خودشان نمی دانند ضربه را از کجا خورده اند. این درسی باشد برای او تا احترام خانم ها را نگه دارد. جلسه بعد هم متن گفتگوها را خلاصه تر می کنم تا بفهمد با چه کسی طرف است....